

## ادبیات عاشقانه

## چایت را من شیرین می کنم

■ نویسنده: زهرا بلند دوست

■ ناشر: کتابستان معرفت

شخصیت اصلی این رمان دختری به نام سارا است. سارا هیچ وقت ایران را ندیده است؛ اما اصالتش ایرانی است. او با پدر و مادر و برادرش در آلمان زندگی می کند. مادر او زنی بسیار مؤمن و اهل نماز است؛ اما پدرش عضو گروهک مجاهدین خلق بوده و به همین دلیل، بعد از انقلاب به آلمان مهاجرت کرده اند. سارا مسلمان نیست و دین خاصی هم ندارد؛ «هرچه به ایران نزدیکتر می شدیم، تیش های قلمب کوبنده تر می کوبید. هنوز تصویر آن زن های مشکی پوش و آن مرد های ریش دار را در برنامه های مورد علاقه پدر به خاطر داشتم که چطور انسانیت را زیر پا له می کردند... پسری جوان، تمسخرآوار از رعایت حجاب خواهران گفت و دوستانش خندیدند. تعداد زیادی از زنان، یک به یک، روسری و شال از کیف هایشان بیرون می آوردند و برخلاف میل باطنی و با غرزدن های زیربلی، آن را بر سر می کشیدند. چقدر عقب ماندگی بر این دیار حکمرانی می کرد!» (ص ۱۲۴) «چایت را من شیرین می کنم»، اولین رمان زهرا بلنددوست است که در بستر داستانی عاشقانه، به زیبایی، از چگونگی شکل گیری تفکر داعش، ارتباط داعش و منافقین و نیز روحیه جهاد و شهادت حرف می زند. در این داستان، عشق، خواهر را به دنبال برادر به ماجراهایی پیچیده و پرتعلیق می کشاند؛ اما در میانه داستان به نفرت تبدیل می شود. نویسنده با زیرکی و بدون شعارزدگی، مخاطب خود را با جزئیات زندگی داعشی ها آشنا می کند و در عین حال، روایت پرکشش خود را جلو می برد و در چند جا، مخاطب خود را به خوبی غافلگیر می کند.

## نحسی ستاره های بخت ما

■ نویسنده: جان گرین

■ مترجم: آرمان آیت اللهی

■ ناشر: آموث

هیزل گریس دختر نوجوانی است که به سرطان مبتلاست و با درد و رنج دست و پنجه نرم می کند. درست در هنگامی که زندگی برای او چیزی جز درد به همراه ندارد، طعم عشق و امید را می چشد. روزی که او برخلاف میل باطنی اش در یکی از جلسات گروه حمایتی شرکت کرده بود، به صورت اتفاقی، آگوستوس را می بیند و در همان نگاه اول، احساساتش برانگیخته می شود. آگوستوس هم پسری است که با سرطان دست و پنجه نرم کرده است. او حتی مجبور شده برای درمان بیماری اش، یکی از پاهایش را از دست بدهد. داستان نحسی ستاره های بخت ما، داستان زندگی افرادی است که بخش زیادی از زندگی خویش را صرف مبارزه ای می کنند که در بیشتر مواقع، خودشان هم می دانند که احتمال برنده شدنشان در آن بسیار کم است. این کتاب داستان کسانی است که به سرطان مبتلا هستند و درد و رنج، لذت درک زندگی خوب و عاشقانه را از آنها گرفته است. در داستان، کشمکش های درونی و بیرونی متفاوتی تصویر می شود که برخی از آنها فلسفی و برخی دیگر از نوع حبی بقا و میل به جاودانگی است. برای مثال، موضوعاتی همچون بهشت و جهنم و کیفیت آن ها، ماهیت حیات و غایت آن و نیز ماهیت لذت از جمله کشمکش های ذهنی شخصیت اول داستان، یعنی هیزل است. به راستی می توان رمان نحسی ستاره های بخت ما را در رده داستان های عاشقانه خوب جای داد. این عاشقانه از کلیشه های همیشگی داستان های عاشقانه فراتر می رود و مسائل عاشقانه را با مباحث جنسی و انحرافات اخلاقی درنمی آمیزد.

## یوما

■ نویسنده: مریم راهی

■ ناشر: کتاب نیستان

یوما داستانی اقتباسی از زندگی حضرت خدیجه (س) است. در این داستان، نویسنده، بخش های گوناگونی از زندگی ام المومنین، خدیجه (س) را روایت می کند: «از آشنایی خدیجه (س) با محمدامین (ص) گرفته تا خواستگاری ایشان از او و ازدواج و تولد حضرت زهرا (ص) و از محاصره اقتصادی مسلمانان در شعب ابوطالب گرفته تا رحلت حضرت رسول (ص)». البته، نویسنده در خلال داستان، به ماجراهای قبل از مبعوث شدن پیامبر (ص) و جزئیات اتفاقات بعد از مبعث نیز گریزهایی می زند. نکته تأمل برانگیز این داستان اقتباسی، روایتی عاشقانه و غنیفانه از زندگی این زوج بزرگوار در شکلی تازه است. کمتر نویسنده ای جرات ورود به اینگونه روایتگری ها را دارد؛ ولی الحق، مریم راهی از پس نمایش این عاشقانه، بدون عبور از حرمت ها و خط قرمزها برآمده است. او تا جایی که توانسته، سعی کرده برای بیان داستان این زندگی از نگاه ویژه و عاشقانه ای که برگزیده است، چیزی از تاریخ را از قلم نیندازد. البته، بعضی از بخش های قصه برای مخاطب آشناست؛ چرا که قبل از کتاب های درسی، آنها را خوانده است؛ اما روایت نویسنده باز هم خواننده را به خواندن وامی دارد. شخصیت ها در داستان خوب ساخته شده اند؛ البته باید گفت شخصیتی که نویسنده از پیامبر (ص) در داستان ساخته است، کاملاً دشان دهنده شخصیت واقعی آن بزرگوار نیست؛ ولی به نظر می آید نویسنده از نزدیک ترین تعبیری که تا به امروز برای ترسیم منش و سیره ایشان به کار گرفته شده، بهره برده است. همچنین جلوه رحمانیت حضرت رسول (ص) در این اثر جدی گرفته شده است. افزون بر این، نویسنده در جایی از داستان سعی کرده است به شخصیت امیرالمؤمنین (ع) هم نزدیک شود و بی آن که بخواهد ایشان را موضوع داستانش قرار دهد، تأثیر همراهی علی (ع) با حضرت رسول (ص) را بیان کند. این داستان از این جهت که روایت جدیدی از شخصیت بی انتهای حضرت پیامبر (ص) است، ستایش برانگیز است.

## عاشقی به سبک ون گوگ

■ نویسنده: محمدرضا شرفی خبوشان

■ ناشر: شهرستان ادب

ماجرا این کتاب درباره پسری به نام البرز است که نام ماهوز را برای خودش انتخاب کرده است. او پسری جوان و لنگ است و به همراه پدر و مادر لاش که خدمتکار و باغبان اند، در باغ تیمسار خسروخان زندگی می کنند. ماهوز نازلی، دختر تیمسار را دوست دارد و هر کاری از دستش بریاید، برای او انجام می دهد. کم کم حسی مانند عشق هم درون او جان می گیرد. این دو، نقاش می شوند. نازلی شوهر می کند و پس از چندی طلاق می گیرد. تیمسار، نازلی و مادرش را به آمریکا می فرستد؛ ولی خودش همراهشان نمی رود. نازلی مشکوک می شود و از ماهوز می خواهد پدرش را زیر نظر بگیرد و آمار او را به نازلی برساند. ماهوز خود را در لانه سگ پنهان می کند و زاغ سیاه تیمسار را چوب می زند. داستان از همین جا شروع می شود. روایت داستان از طریق جریان سیال ذهن ماهوز نقل می شود و مخاطب، به واسطه ذهن خوانی ماهوز، با ماجراها مطلع و به گستره داستان وارد می شود.... نویسنده در عاشقی به سبک ون گوگ محنتی که مردمان ستمدیده از ظلم شاهان قاجار می کشیدند را در قالب واژه ها به مخاطب می نمایاند. نقطه اوج این تصویرگری در فصل آخر است که روایت خفقان و پیداد حاکم بر جامعه، نقّس مخاطب را حیس می کند و خون غیرت او را به جوش می آورد. جذابیت و تعلیق داستان مناسب است و ماجراها کاملاً به هم مرتبط اند. افزون بر این ها، مواز سازی و استفاده از خرده ماجراها به اندام وارپودن داستان کمک زیادی می کند. برشی از متن کتاب: «چند تاوله نمک شناسا و وزن کره خر من هم که رفته اند. اگر چیزی می فرستم برایشان در حد کفایتشان است. سرمایه اصلی اینجا می چرخد و ریزه ریزه می رسد به دست رعیت و باغدار و دلال و کاسب و آخرش هم این سردرختی ها و خشکبار می روی تود سفره مردم» (ص ۱۴۰).

## فردا مسافر م

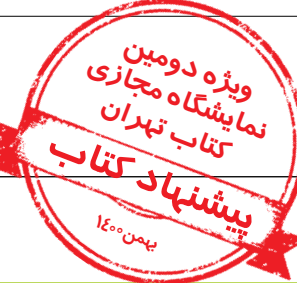
■ نویسنده: مریم راهی

■ ناشر: کتاب نیستان

نویسنده در رمان تازه خود، داستانی عاشقانه را در دل روزهای پر مصیبت پس از واقعه عاشورا روایت می کند. رمان، داستان دختری عاشق پیشه از اهالی کوفه است که پدرش در روزگاری نه چندان دور، سفیر امام علی (ع) بوده و حالا برای جنگ با دشمنان حسین (ع) از کوفه خارج شده است. چند روز پس از عاشورا، پدر به خانه بازمی گردد و از شدت حیرت از آنچه دیده است، قادر به صحبت نیست. در همین حین، کاروان اسرای اهل بیت (ع) نیز به شهر وارد می شود و دختر به دیدار آنان می شتابد و آنچه را رخ داده است، از زبان آنها روایت می کند.

فردا مسافر م، رمانی عاشقانه است که سه نوع عشق را برای مخاطب تبیین می کند: عشق قهرمان داستان به پسری کوفی که از امضاکنندگان نامه دعوت حسین بن علی (ع) به کوفه است؛ عشقی که اسرا و خانواده شهدای عاشورا به خاندان خود ابراز می کنند؛ که بسیار سوزنده و در عین حال، شیرین است و عشقی که فرزندان و پدران خاندان اهل بیت (ع) به یکدیگر ابراز می کرده اند.

مریم راهی در سومین تجربه داستان نویسی خود در این رمان، به فخامت و پختگی زبانی درخور توجهی دست پیدا کرده است؛ به این معنا که کلمات و عبارات و صحنه بندی داستانی را به خوبی شناخته و از پس مقتضیات خلق درام برآمده است. او رمانی چندلایه نوشته است که هم می توان از تکتک جملاتش، به صورت مجزا لذت برد و شیرینی و حس خواندن و شنیدن روضه را در جان زنده کرد و هم به ساختار داستانی آن دل بست.



## فرشته ها هم عاشق می شوند

■ نویسنده: نعیمه اسلامو

■ ناشر: تلاوت آرامش

فرشته ها هم عاشق می شوند شروع جذابی دارد و همان ابتدای کار، تکلیف خودش را با خواننده مشخص می کند؛ خواننده می داند که با رمانی با بی رنگ بلوغ مواجه است. فرشته جق جو، راوی داستان، به شدت از ازدواج، فراری و از مردها متنفر است. نویسنده سعی می کند وجوه فمینیستی فرشته و چند کاراکتر دیگر در داستان را پررنگ کند. فرشته با خواندن خاطرات زندگی شهدا و جانبازان و اسرا کم کم متحول می شود و در انتها ازدواج می کند. «فرشته ها هم عاشق می شوند»، مجموعه ای از دغدغه های انقلابی نویسنده برای تقویت بنیان خانواده است که نه تنها حاوی راهنمایی هایی برای دختران جوان است، بلکه برای پسران نیز نکات ارزشمندی در خود دارد. برای مثال، در طول داستان، برخی نگرش های فرشته به زن تغییر می کند و او می تواند از آفتی بالاتر به زن نگاه کرده و جایگاه والای او در اسلام را درک کند. پیش تر، فرشته زنان را موجوداتی ساده می پنداشت که طعمه ای برای مردان اند و گاه از اینکه می شنید زنی در مقابل همسرش می ایستد، خوشحال می شد. برشی از متن کتاب: «از این کارهای ویدا خیلی خوشم می آمد. نمی گذاشت شوهرش به او زور بگیرد. احساس می کردم خوب می توانم انتقام همه زن های بدبخت را از مردها بگیرم» (ص ۲۲). «ما زن ها محکوم هستیم به اینکه طعمه باشیم، طعمه مردهایی که از روی ظاهرمان ما را انتخاب می کنند» (ص ۱۹۶). نوشتن از حجاب، عفاف، روابط دختر و پسر، ازدواج، شهدا، جانبازان، انرژی هسته ای، ترور، تحول در علوم انسانی و چند موضوع دیگر در یک رمان، کار چندان راحتی نیست؛ ولی اسلامو تا حدودی توانسته همه این مفاهیم را در رمان خودش بگنجاند.

## عشق در برابر عشق

■ نویسنده: امید کوره چی

■ ناشر: کتابستان معرفت

رمان عشق در برابر عشق روایت دلدادگی جوان ایرانی زرتشتی به دختری عرب و مسلمان است. هرمز در میانه هیاهوی گرانگهانه معاویه و طرفدارانش برای از بین بردن حکومت حضرت علی (ع) از یک سو و کارشکنی و سنگ اندازی خواجه برای به دست گرفتن حکومت و حذف علی (ع) و خاندانش از سوی دیگر، سخت عاشق ربیععه، دختر ثروتمند عرب می شود. او برای تهیه مهریه ای که در دوتل میان او و ربیقش تعیین شده است، پا در راهی می گذارد که سرنوشتش را عوض می کند. هرمز، به همراه بهمن که جانش را نجات داده و حالا غلام اوست، عازم ایران می شود تا به کمک او بتواند پول مهریه ربیععه را به دست آورد. معاویه آوازه مهارت تیراندازی عجیب هرمز را از رقیب عشقی او که از یاران معاویه است، شنیده و قصد دارد هرمز را برای اهداف شیطانی خود اجیر کند. در راه ایران، هرمز و بهمن دچار مشکلاتی می شوند تا اینکه... نویسنده برای روایت داستانی مذهبی تاریخی، با درونمایه عاشقانه، سوزه خوبی را انتخاب کرده است. نثر داستان روان و بی دست انداز است و راوی دانای کل، به درستی، برای روایت این عاشقانه تاریخی انتخاب شده است. برشی از متن کتاب: «هرمز شانه بلند قلزی را میان پنجه اش فشرد و گفت: «از مسلمان ها بیزارم!» بانو آتوسا به آرامی گفت: «بیزار ی چون فکر کردی همه مسلمان ها مسلمان اند.» آتوسا گفت: «اسلام نمی تواند برای آدم های خودخواه و خودپرست کار ی کند. یعنی هیچ دینی نمی تواند. خدا فقط به کسانی بال پرواز می دهد که بخواهند پرواز کنند، کسانی که بخواهند خوب باشند».

## دخیل عشق

■ نویسنده: مریم بصیری

■ ناشر: کتاب جمرکان

مریم بصیری در دخیل عشق سرگذشت دختری حدوداً چهار ساله به نام صبوره را روایت می کند. صبوره هنوز از دواج نکرده و علت آن، نذری است که در دوران جوانی کرده است. او بعد از تمام شدن جنگ و بازگشتش از بیمارستان های اهواز به زادگاهش شمش، با خود عهد می بندد که با یک جانباز ازدواج و به او خدمت کند. صبوره که در دوران جنگ با اصرار فراوان، پدرش را راضی کرده بود در جبهه های جنگ امدادگر باشد، حال بعد از گذشت سال ها از جنگ، هنوز خود را وامدار رزمنده ها می داند و برای همین، بیشتر اوقات زندگی اش را در آسایشگاه جانبازان مشهد می گذراند و مشغول خدمت رسانی به جانبازان است...

نویسنده تمام تلاش خود را می کند تا زنی را به تصویر بکشد که نمادی از استقامت و صبوری زنانی بوده که در دفاع مقدس بسیار تأثیرگذار بودند، اما با این حال، کمتر از آنها یاد می شود. صبوره زن فداکاری است که هنوز هم به اعتقادش پایبند است. او زنی کم توقع و صبور و دردمند است که روحی قوی و عزمی راسخ دارد و در برابر سختی ها و ناامایمات، با تمام توان خود ایستادگی می کند. صبوره شخصیت اصلی داستان است و پردازش شخصیت او یکی از امتیازات کار بصیری است. یکی دیگر از ویژگی های ممتاز این رمان ارائه تصویری ملموس از آسایشگاه جانبازان برای مخاطبی است که به احتمال زیاد، تجربه زیستن با جانبازان را ندارد و از مشکلات آنها کمتر آگاه است. نویسنده با تصویر واضح و شفاف،ی که از این آسایشگاه می سارد و با خرده ماجراهای جذابی که روایت می کند، به دنبال چند هدف است: او در درجه اول می خواهد مخاطب را از کنواختن قصه نجات دهد و در درجه دوم می خواهد در خلال روایت خرده ماجراها، مخاطب را با مشکلات متعدد این قشر مظلوم آشنا کند.

## دخیل هفتم

■ نویسنده: محمد رودگر

■ ناشر: شهرستان ادب

دخیل هفتم از زبان مردی چهل و اندی ساله روایت می شود. جوانی امروزی و عاشق پیشه به اجبار از او می خواهد داستان عشقش را تعریف کند. راوی از دختری می گوید که در روزهای مبارزه انقلاب ۵۷ به او عشق می ورزید؛ اما در جریان مبارزات انقلابی، هر دو به زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری می افتند. با پیروزی انقلاب، راوی آزاد می شود؛ ولی خبری از فاطمه نیست. گویا فاطمه در آن زندان، به سرنوشتی نامعلوم گرفتار شده است. از آن پس، راوی در سوگ عشق نافرجام خود می نشیند...

در ادامه داستان، جوان نیز از ماجراهای عاشقانه خود می گوید. راوی درمی یابد که راه عشق، مراتب و معجزاتی دارد که هر دو آن را درک کرده اند؛ ولی این جوان از او پیگیرتر و مصمم تر است. این جوان مأمور است «باغ خیال» متروکه هفت عاشق را به واسطه هفت دخیل از آنها بستاند. راوی رمان نفر هفتم است و حالا نوبت دخیل هفتم. در این اثر، عدد هفت به هفت منزل سلوک اشاره می کند. هریک از شخصیت های بی نام رمان نیز سالک اند و نویسنده کوشیده است سلوک شان را طبق مبانی نظری مطرح شده در یکی از جریان های مهم و تأثیرگذار عرفان اسلامی، یعنی جریان عرفان عاشقانه، به گونه ای امروزی به تصویر کشد. برشی از متن کتاب: «با صدای زنگ تلفن از جا می پرم. مردد هستم گوش ی را بردارم یا نه. همه چیز شروع شده و من باید بازی را ادامه بدهم. دست دراز می کنم و گوشی را برمی دارم. به راحتی می توانم صدای نفس های کسی را از آن سوی تلفن بشنوم. بی آنکه حرفی بزند قطع می کند. گوشی را می گذارم و روی تخت می نشینم. ورقه سیاه دور جعبه را پاره می کنم. در آن را باز می کنم. همان چیزی است که انتظارش را داشتم: تپانچه.»

## رستاخیز عاشقی

■ نویسنده: محمد سرشار

■ ناشر: کتابستان معرفت

رمان رستاخیز عاشقی دارای تمی عاشقانه است و سیر تحول و تکامل زوجی خداجو را به تصویر می کشد که عشق به یکدیگر را پلی برای رسیدن به عشق حقیقی می کنند. شخصیت اصلی قصه، طلبه جوانی به نام یحیی است که اقتدا به سیدالشهدا (ع) کرده و برای احیای امر اهل بیت (ع)، بستر خدمت به خلق را برگزیده است. یحیی ناخواسته درگیر ماجراهی اجتماعی سیاسی می شود و در طول این مسیر با ضعف های روحی و ایمانی خود آشنا شده و سیر تحول را می بیند. رستاخیز عاشقی داستانی دارد که مبتلا به جامعه امروز ماست. زمین خوارانی از خدا بی خبر، حاکمانی که با شریک دزدند یا رفاقت قافله را برای رسیدن به قدرت می خواهند و دلسوز قافله نیستند و مردهی که با خود مقهور و همراه غاصبان شده اند یا بی تفاوتند و دست روی دست گذاشته اند. نویسنده، تلاش کرده با چاشنی کردن ماجرای عشق روحانی جوان که در تدارک مراسم عروسی خود است و با همسر خود زیر یک سقف نرفته به داستان جاذبه بدهد اما نحوه روایت دلدادگی این زوج جوان چنان سطحی است که مخاطب در صفحات اولیه کتاب پیش از آن که دریابد، پوشش قهرمان داستان، لباس روحانیت است، می ندارد با روایتی دم دستی از جنس ماجراهای عشاق به عم نرسیده رو به روست. قصد نویسنده نشان دادن سیر تحول همسر یحیی از عشقی ساده و خودخواهانه و رفتارهای خام خاص زوج های جوان به رفتارهای موقرانه و تصمیم های پخته و خیر خواستن برای همه آدم ها است. اما بیان دلدادگی این زوج جوان با شرح جزئیات به جای خواندنی کردن کتاب، وصله ناهمگونی بر پیکر آن شده است؛ که باعث می شود تا مقاصد خبرخواهانه کتاب تحت الشعاع قرار گیرد و کتاب را در حد یک رمان زرد تنزل دهد. اثر از حیث نثر و اوج و فربود (به غیر از بخش های مقاله عاشقانه طلبه و نامزد شرعی اش) جذاب و خواندنی است. درونمایه اجتماعی، سیاسی آن نیز که برای مقابله با جور ظالمان و همراهی حق و حقیقت، کل یوم را عاشورا و کل ارض را کرب و بلا، معرفی می کند، بسیار درس آموز و بجا است.

